

بدهی چیته در بودایی مه‌ایانه

الهه صفری دره‌بی *

ابوالفضل محمودی **

چکیده

یکی از مفاهیم مطرح در سنت بودایی و به ویژه بودایی مه‌ایانه مفهوم "بدهی چیته" است. این مفهوم در تمامی مکاتب بودایی مطرح است. مفهوم بودایی بدهی چیته در دو معنای اولیه و ثانویه یا جزئی و کلی به کار می‌رود. در طریقت تهره‌واده‌بودایی، بدهی چیته در معنای اولیه مطرح و سر آغاز مسیر سالک است که منجر به نجات و رهایی فردی می‌شود. بدهی چیته در معنای اول که می‌توان آن را بیداری دل ترجمه کرد تقریباً معادل مفهوم یقظه در عرفان اسلامی است، و آن سر آغاز مسیری است که یک سالک بودایی طی می‌کند تا خود و سایر موجودات را از رنج نجات و به رهایی برساند. به همین دلیل این مفهوم در بودایی مه‌ایانه دارای اهمیت ویژه است. در این طریقت بدهی چیته از گام‌های ده‌گانه "بدهی ستوه" یا سالک آرمانی این طریق در سیر و سلوک عرفانی به شمار نمی‌آید و آن را از مقدمات ورود سالک به طریقت می‌دانند. در این معنا بدهی چیته مفهومی شهودی است که در یک لحظه و به صورت دفعی در فرد اتفاق می‌افتد و شخص متفطن می‌شود. از این رو سالک مه‌ایانی می‌کوشد تا زمینه‌های این رخداد را فراهم سازد. بدهی چیته در معنای کلی و اصلی امری وجودی و مطلق است که همگان در ذات خود از آن بهره‌مند هستند و تا ابد بدون تغییر باقی می‌ماند. حتی زمانی که بدهی ستوه به بالاترین مرتبه کمال می‌رسد، در حقیقت وجودی خود یا بدهی چیته با سایر موجودات هم‌سان است. این مفهوم از بدهی چیته معادل "شونیتا"، "دهر مه کایه" و "تتهتا" است.

* دانشجوی دکتری رشته ادیان و عرفان، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. رایانامه:

elahesa02@gmail.com

** دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم تحقیقات. رایانامه: a.mahmoodi5364@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۶/۲۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۵/۲۵

کلیدواژه‌ها: بدهی‌چیته، بدهی ستوه، مه‌ایانه، شونیتا، دهرمه‌کایه، گرونا، پرجنیا.

مقدمه

در نظام تفکر بودایی سه اصل بنیادین انیچه (anicca)، انتا (anatta) و دوککه (dukkha) مطرح است. بر اساس اصل "انیچه" هرگونه ثبات و پایداری در نظام هستی نفی می‌شود و همه چیز عالم را در حال صیورورت یا شدن می‌دانند. در اصل دوم یا "انتا" وجود آتمن یا خود مستقل انکار می‌شود و آنچه را خود می‌نامیم هویت کاذب فردی دانسته می‌شود. اصل سوم یا "دوککه" قانون رنج است. مفهوم رنج اصلی‌ترین آموزه هستی‌شناختی، انسان‌شناختی و نجات‌شناختی در سنت بودایی است که سایر مفاهیم در پیوند با آن نقش می‌گیرند. از این رو مبنای همه شاخه‌ها و آموزه‌های بودایی از جمله بدهی‌چیته، رویارویی با "واقعیت رنج" و تبیین آن، و هدف همه آنها "نجات و رهایی از رنج" است. با این همه در میان شاخه‌های مختلف بودایی، آموزه رنج و راه‌های رهایی از آن به گونه‌های مختلف تفسیر می‌شود. از جمله مفاهیم مهم و مرتبت با اصل دوککه مفهوم بدهی‌چیته است که با تفسیرهای متفاوت در همه مکاتب بودایی مطرح است. در مکتب "بهره‌واده" این مفهوم در معنای ساده اولیه‌اش به کار می‌رود اما در سنت مه‌ایانه این مفهوم گسترش معنایی بیشتری یافته و از اهمیت بالاتری برخوردار شد. آموزه "بدهی ستوه" و مفاهیم وابسته به آن از جمله "بدهی‌چیته"، "شونیتا" و "تری‌کایه" مهم‌ترین وجوه سنت مه‌ایانه است که بذر همه آنها در مواعظ و گفتارهای بودا و متون مقدس هینه‌یانه مطرح شده است و استادان مه‌ایانی با نگاه و تفسیری نو به آنها پرداخته‌اند.

در سنت مه‌ایانه بدهی ستوه‌ها سالکانی هستند که با بیداری بدهی‌چیته قدم در مسیر سلوک عرفانی گذاشته تا به کمال برسند و خود و همه موجودات را از رنج و درد نجات دهند. آنها عهدکرده‌اند تا هنگام نجات همه موجودات به نیروانه یارهایی مطلق واصل نشوند. بدهی ستوه‌ها قادر به زدودن آلودگی‌های کرمه‌ای ناشی از اعمال و اندیشه‌های شایست و ناشایست افراد عادی هستند تا بتوانند آنها را به رهایی برسانند. آنچه در این نوشتار در پی آن هستیم بررسی چستی و اهمیت این مفهوم در طریقت مه‌ایانه و نسبت میان آن و مفاهیمی چون "دهرمه‌کایه"، "نیروانه"، "تته‌گتته‌گرهه"، "تته‌تا" و "شونیتا" است؛ و می‌خواهیم بدانیم ویژگی‌ها و کارکرد بدهی‌چیته در دو معنای جزئی

و کلی یا اولیه و ثانویه چیست؟ آیا بدهی چیتة امری ذاتی است یا اکتسابی؟ و چه ارتباطی میان بدهی چیتة با دهرمه و پرجنیا و کرونا وجود دارد؟ بدهی چیتة چه نقشی در امکان نیل به سعادت آدمی دارد و به چه شکل در زدودن رذایل موجودات اثرگذار است؟

معنای لغوی و اصطلاحی بدهی چیتة

بدهی چیتة، واژه‌ای است سنسکریت و مرکب که از دو کلمه بُدهی (Bodhi) و چیتة (Citta) تشکیل شده است. در مورد ریشه و معنای کلمه بُدهی در میان پژوهشگران اختلاف نظر وجود دارد؛ برخی این کلمه را از ریشه بُ (bo) به معنای دانستن، فهمیدن و درک کردن و بنابراین بدهی را به معنای وقوف، بیداری و فهم می‌دانند، که می‌توان آن را به اشراق و بیداری نیز ترجمه کرد (see: Rinpoche.1999;p.174). اما اکثر محققان این کلمه را از ریشه بوده (budh) دانسته‌اند (برای نمونه نک Suzuki.1968;p.294; Dayal.1970;p.18) که بر طیفی از معانی نزدیک به هم دلالت دارند. مانیر ویلیامز (Monier Williams) در دیکشنری مشهور سنسکریت - انگلیسی آن را بنا به نوشته دایال چنین معنا می‌کند «احساسی اصیل به منظور درک ژرفا، نفوذ به اعماق، مشاهده، توجه، تمرکز، رعایت، درک کردن، اشاره کردن، آگاهی دادن، بازشناختن، دانستن، فهمیدن، دریافتن، اندیشیدن، بازتاب دادن، پنداشتن، ملاحظه کردن، بازیافتن آگاهی (پس از مدهوشی یا پس از بیداری از خواب)، بهوش آمدن، بیدارشدن، بیدارکردن، هشداردادن» (Skt.Dicy.685b). از این میان سوزوکی تعبیر "بیداری" را برگزیده (Suzuki.1968;p.294) در صورتی که دایال معتقد است که بوداییان از این واژه بیشتر معنایی مرتبط و نزدیک به «دانستن» و «فهمیدن» می‌فهمند (Dayal.1970;p.18).

واژه چیتة که معمولاً در زبان انگلیسی آن را به mind که خود بر طیفی از معانی دلالت دارد، و گاه به heart ترجمه می‌کنند، با توجه به فحوای شهودی و باطنی این واژه، به‌ویژه در این ترکیب خاص می‌توان آن را به «دل» یا «قلب» ترجمه کرد. در آن صورت بدهی چیتة معنایی نزدیک به «دل آگاه» یا «دل بیدار» و در شکل مصدری‌اش به «دل آگاهی» و «بیداردلی» خواهد داشت.

بدهی چیتة در اندیشه بودایی آگاهی از حقیقت باطنی است و آن را به «ذهن آگاهی»، «دل آگاهی»، «جان آگاهی»، «قلب آگاهی»، «فرزانگی دل»، «اشعه حقیقت بودایی در قلب» و «اشراق دل» نیز تعبیر می‌کنند. بدهی چیتة ماهیت حقیقی یک بدهی ستوه است

(cf.Santideva.1997,p.14-22). بدهی یک اصطلاح معرفت‌شناختی است که وقتی در کنار «چیتَه» به معنای قلب یا دل یا روح قرار می‌گیرد معنای روان‌شناختی پیدا می‌کند. بدهی چیتَه یا بدهی‌ریدیَه^۲ که به همان معناست معمولاً بیشتر از خود بدهی در متون مهاییانه مورد استفاده قرار می‌گیرد. بدهی چیتَه وقتی بیشتر تقویت شود، آنوتره-سَمیک-سَم بُدهی^۳ نامیده می‌شود، یعنی «دل آگاهی که متعالی و کامل‌ترین است» (Suzuki.2000;295). هنگامی که اراده بدهی و تنویر درون در فرد محقق شود او دیگر انسان طبیعی نیست بلکه "لوکوثرَه" است. او موجودی متعالی است که قدم در مسیر بوداگی گذاشته است (L.Dela Vallee Poussin .1980;2.740).

بدهی چیتَه در اصطلاح دارای دو معنا است. معنای اولیه آن بیداری لحظه‌ای و مشابه یقظه در عرفان اسلامی است و این معنای اولیه و ساده از بدهی چیتَه در تهره‌واده نیز مطرح است. اما بدهی چیتَه بعدها در مهاییانه معنای گسترده‌تری یافت. به این معنا که آنچه به صورت لحظه‌ای در ما اتفاق می‌افتد تنها نمودی از بدهی چیتَه حقیقی است. بدهی چیتَه حقیقی یا غایی، امر مطلق است که همه موجودات به طور عام و انسان به طور خاص از آن بهره‌مند هستند که گاه در افراد شکوفا می‌شود و گاه نمی‌شود. از این رو بدهی چیتَه به اعتباری یک اتفاق است؛ اتفاقی که باعث می‌شود فرد آن را به فعلیت برساند. و به اعتبار دیگر، امر مطلق است که با مفاهیم بنیادین مهاییانه همچون "شونیتا"، "دهرمه‌کایه" و "بَهوَتَه تَهَتَا" یکی است؛ زیرا اینها همه به امر مطلق اشاره دارند که در مباحث آتی به آن اشاره خواهد شد.

پیشینه اندیشه بدهی چیتَه در مهاییانه

محققین مفهوم بدهی چیتَه را برخاسته از نظام کیهان‌شناختی هندویی می‌دانند. در کیهان‌شناسی هندویی در پایان هر عصر همه هستی در طوفانی از آتش نابود می‌شود تا دوباره متولد شود. از این رو بدهی چیتَه را معادل رخداد نابودگری می‌دانند که همه کرمه‌ها و پلیدی‌های منفی را نابود می‌کند تا فضیلت‌های نیکو متولد شوند (Santideva.1971;209). بودا در فصل دوم "دِهَمَه پَآَه" به "بیداری و هوشیاری" اشاره می‌کند و آن را معادل پرهیز از غفلت و نادانی می‌داند. او در آنجا هوشیاری و بیداری را به عنوان راه جاودانگی و مایه شادی و سرور و سبب نیل به سرحد رستگاری و نجات یعنی "تیروانه" می‌داند. بودا در این اثر بیداری را از عناصر معنوی و لطیف و رابط گذشته و آینده معرفی می‌کند و می‌گوید "بیداری راه بی‌مرگی، و ناآگاهی راه مرگ

است. بیداران نمی‌میرند، ناآگاهان پیش‌تر مرده‌اند." (Dhammapada.1950;21;32). همهٔ سنت‌های بودایی بدهی چیتة را به عنوان جوهر وجودی موجودات باور دارند و معتقدند که بوداهای گذشته بدهی چیتة را درخود تحقق بخشیده و سپس در مسیر روشن شدگی حرکت کرده‌اند. و در این زمینه به داستان‌هایی اشاره می‌کنند. به باور بودائیان گوتمه اولین بار در دوزخ به بدهی چیتة دست یافت. گوتمه در داستانی اظهار می‌کند که: من هنگامی به بدهی چیتة دست یافتم که برای اولین بار در دوزخ متولد شدم. آن‌گونه که او نقل می‌کند او را مجبور به کشیدن ارابهٔ بسیار سنگینی با همراهی یک نفر دیگر می‌کردند که صد نفر هم نمی‌توانستند آن ارابه را بکشند. او با تأمل به این نتیجه رسید که رنج کشیدن هر دوی آنها بی‌فایده است و تصمیم می‌گیرد از نگهبان بخواهد همراهش را آزاد کند. نگهبان جسم سنگینی بر سرش می‌زند و بدهی ستوه بی‌هوش می‌شود. هنگامی که بدهی ستوه هوشیاری خود را به‌دست آورد دیگر در جهنم نبوده زیرا نیات او سزاوار قلمرو جهنم نبود. بر اساس این نیت خیرخواهانه به یک بدهی ستوه تبدیل می‌شود. بودا می‌گوید: «از اینجا بود که من بدهی چیتة واقعی را تحقق بخشیدم و این ابتدای مسیر من بود» (Rinpoche.1999;180).

بودا زمان بدهی ستوه‌گی خود، جوهر بدهی چیتة را در موجودات دمید و به آنها تعلیم داد که چگونه نسبت به دیگر موجودات آگاهی بخشی داشته باشند، ولی انسان‌ها، بعدها این آگاهی را از یاد بردند. زمانی که عده‌ای از آنها به مقام رهایی یا "ارهت" رسیدند گمان کردند که به مقصود و یاپایان راه و خاموشی رسیده‌اند. درحالی‌که سوگند آگاهی بخشی به موجودات هم‌چنان برقرار و اثرش پابرجا بود. اینجاست که بودا می‌گوید: «رهروها! آنچه که شما به آن رسیده‌اید آخرین خاموشی نیست. زمان زیادی شما را به کاشتن بذره‌ای مناسب بودا شدن واداشته‌ام و با دستاویزهای خوبی نشانه‌های نیروانه را به شما نشان داده‌ام». از این لحظه است که انسان‌ها متوجه جوهر بدهی چیتة در وجودشان می‌شوند و درمی‌یابند که در حقیقت بدهی ستوه هستند و بشارت روشن شدگی کامل را درمی‌یابند (Saddharma-Pundarika Sutra.8:42-45).

اهمیت بدهی چیتة در مکاتب بودایی

همهٔ مکاتب بودایی به اهمیت بدهی چیتة در رستگاری موجودات آگاه هستند. انسان آرمانی در مکتب تهره‌واده (ارهت) نیز سیرسلوک عرفانی خود را با بیداری بدهی چیتة آغاز می‌کند. ارهت‌ها مبرا از "کِلشه‌ها" یا هواهای نفسانی هستند. آنان با بیداری

بدهی چیتِه و حرکت در مسیر روشن‌شدگی به بالاترین سطح کمال دست می‌یابند. بدهی چیتِه در ارهت‌ها منجر به نجات فردی می‌شود حال آنکه در بدهی ستوه‌ها (انسان آرمانی مه‌ایانه) علاوه بر نجات خودشان، منجر به نجات همه موجودات می‌شود (Dayal, 1970, 16-17). پژوهشگران بودایی معتقدند که گرچه روش سلوک سه مذهب بودایی هینه‌یانه، مه‌ایانه و وجره‌یانه متفاوت است و هرکدام از آنها در اجرای تعالیم بودا نظام مخصوص به خود را دارند اما همه آنها در حقیقت واحد که بدهی چیتِه است یکی هستند. کسی که حقیقت بدهی چیتِه را درک کند همه چیز را با قلبی آکنده از مهر مشاهده خواهد کرد زیرا حقیقت بدهی چیتِه عشق است و همین حقیقت ذات وجودی بدهی ستوگان است. مکاتب بودایی بدهی چیتِه را یک نیروی کیهانی پویامی‌دانند که در افراد مختلف به شکل‌های گوناگون و درجات مختلف ظاهر می‌شود (Prophet, 2009; 23-24).

در میان مذاهب بودایی مذهب مه‌ایانه توجه بیشتری به مفهوم بدهی چیتِه دارد، در این طریق بدهی ستوه به جهت شادی بخشی به موجودات آگاه و دور کردن آنها از رنج چرخه حیات، بدهی چیتِه را می‌پذیرد و در مسیر بدهی ستوه‌گی و بوداگی قرار می‌گیرد. بدهی ستوه آگاهانه در جستجوی بدهی چیتِه است تا چراغ دهرمه را در دل انسان‌ها برافروزد (Santideva, 1955; 3:1-4). "شانتی دوه" بدهی چیتِه را از ملزومات راه بدهی ستوه می‌داند. او معتقد است که بدهی چیتِه مسیر آزادی و رهایی را با از بین بردن کرمه‌ها یا رفتارها و پندارهای منفی گذشته تسریع می‌کند و سبب عزت و بزرگی انسان‌ها در سراسر جهان می‌شود (E Haris, 2017; 337). بدهی ستوه‌گان با پرورش صفات نیک در خود و ترک مادیات و جهل و ناپختگی و شر و شقاوت به بیداری بدهی چیتِه در وجود خود کمک می‌کنند (The ten stages, 712-713). برای آنکه انسان‌ها و تمامی موجودات ذی‌شعور کاملاً رشد کنند و به بالاترین درجه کمال یا همان بوداگی^۴ و اشراق برسند، آنان باید بکوشند تا بدهی چیتِه را در خود پرورش دهند. کل مسیر سلوک عرفانی چیزی نیست جز اشتیاق، اقدام و درک بدهی چیتِه غایی (Rinpoche, 1999; 177). به محض بیداری بدهی چیتِه در فرد گرمای عشق و شفقت (مهاکرونا)^۵ در سلول‌های فرد، نفوذ می‌کند و نور آگاهی برین شناخت و فرزاندگی (مهاپرجنیا)^۶ بر تاریکی نادانی‌های او می‌تابد و بدهی ستوه بلافاصله درمی‌یابد که جهان به منظور انزوا و خودانکاری ساخته نشده است و در می‌یابد تا زمانی که تمام

موجودات ذی شعور از کمند جهل و نادانی خلاص نشده‌اند و به موقعیت کنونی او نرسیده‌اند او نمی‌تواند به آرامش دست یابد (Suzuki.1907;314). کسی که این دل‌آگاهی عظیم را می‌شناسد، از چرخه باززایش رها می‌شود و اعمالی را انجام می‌دهد که برای خودش و دیگران سودمند است.

پس از مفهوم بودا، آنچه در بودایی مهاییانه اهمیت دارد، بدهی ستوه (آگاهی سرشت) است که ذات آن، بدهی چیتة (دل‌آگاهی) است (Suzuki.1900;11:27). به تعبیر دیگر، بدهی چیتة بنیان و اصل اساسی مذهب مهاییانه یا "بدهی ستوه‌یانه" است و همان چیزی است که این مذهب را از دیگر مذاهب بودایی جدا می‌کند (Rinpoche.1999;173). بیداری موهبتی است که دستیابی به آن دشوار است اما رسیدن به آن سعادت ابدی را به ارمان می‌آورد. اگر کسی اهمیت این فرصت مطلوب را دریابد دیگر چنین اتفاقی برایش روی نخواهد داد (Santideva.1955;1:4). هنگامی که بدهی چیتة در شخص پدیدار می‌شود، او را که در زندان چرخه هستی اسیر است، در یک آن شایسته تکریم در عوالم خدایان و انسان‌ها می‌کند. با بیداری بدهی چیتة در افراد ناراستی‌ها و ناپاکی‌ها رو به زوال می‌روند. بدهی چیتة مانند درخت بارهنگ و نظایر آن نیست که پس از دست دادن میوه‌هایش می‌پوسد بلکه روح بیدارگر همیشه ثمر می‌دهد، نمی‌پوسد و همواره شکوفاست. به واسطه حمایت‌های قدرتمندانه آن شخص بر ترس‌های بزرگ غلبه می‌کند و به واسطه اوست که در یک لحظه گناهان بزرگ نابود می‌شوند (Santideva.1955;1:9-13). بدهی چیتة را به کیمیایی تشبیه کرده‌اند که ذات ناخالص انسان را دگرگون می‌کند، همچون "رَسَه جَتَم" که اکسیری از جیوه بود که تصور می‌شد وارد فلزات پایه مانند سرب و مس شده و آنها را خالص و تبدیل به طلا می‌کند، در عین حال خود نیز فاسد نمی‌شود و خالص باقی می‌ماند. بدهی چیتة نیز مانند آن اکسیر، ذات ناخالص انسان‌های معمولی را تبدیل به قلب بیداریک بودا می‌کند (White.1984;53). هر فرد با بدهی چیتة ذاتی‌اش می‌تواند با همه، آرام، مهربان، مراقب، دلسوز، با محبت، شرافتمند، با منطق و با سخاوت باشد. همان‌طور که یادآور شدیم بدهی چیتة در هر موجود ذی شعور و حتی قلب‌های فاسدان نیز وجود دارد اما پوششی از جهل و خودکامگی آن را احاطه کرده است. هرگز به طور کامل از بین نمی‌رود زیرا زمانی که از جنبه مطلق به آن نگریسته می‌شود فراتر از قلمرو زایش و مرگ و رنج و محنت است و تابع هیچ‌گونه ناپاکی نیست. اما زمانی که در یک وجود محدود تعین می‌پذیرد، به فراخور آن موجود اندازه‌ای از جهل و نادانی را ظاهر

می‌کند. بدهی ستوها به عنوان مهم‌ترین مظاهر بدهی چپته هیچ نیرو و قدرت بیرونی، که سرپیچی از آن مجازاتی در پی داشته باشد ندارند.

یکی از بهترین تمثیل‌های مهیانی‌ها در بیان اهمیت بدهی چپته مقایسه بدهی چپته با مهتاب در آسمان است. زمانی که ماه در آسمان بدون ابر می‌تابد، در هر قطره از آب روی زمین منعکس می‌شود و هر آبگیر کوچکی به طور موقتی ماه را مانند ستاره‌ای که روی زمین فرود آمده منعکس می‌کند. شاید برخی آبگیرها گل‌آلود و کثیف باشند اما مهتاب تصویر صاف و زلال خود را در آنها نیز منعکس می‌کند. هر جا که کمترین اثری از آب باشد، تصویری آسمانی از الهه شب دیده می‌شود (Suzuki, 2000; 303-304). بنابراین هر جا که گرمای کمی از قلب وجود داشته باشد، بدهی چپته بدون وقفه در بهترین حالت خود و تا جایی که شرایط اجازه می‌دهد در آن تجلی می‌یابد. به نظر می‌رسد بدهی ستوها پیش‌تر، از مرحله دوگانه‌انگاری جهان عبور کرده‌اند؛ و در حوزه فکری بسیار وسیع‌تر و متعالی‌تری سیر می‌کنند. تمام آنچه آنها انجام می‌دهند از اراده خودانگیخته آنان، از فعالیت آزادانه بدهی چپته که علت وجودی آنهاست، سرچشمه می‌گیرد، و در نتیجه، هیچ اجباری در افکار و حرکات آنها وجود ندارد. مشابه همان وضعیتی که لائودزه^۸، آن را ناکنش، (وو-وی)^۹ می‌نامد و آن نوع زندگی که به نظر موجودات جاهل و درخواب فرورفته، پریشان و ناآرام است، صرفاً یک سرریز طبیعی از منبع بی‌پایان بدهی چپته است.

چیستی و ویژگی‌های بدهی چپته

بدهی چپته منبع تمامی فضایل زمینی و متعالی است؛ دائماً در حال تبدیل شدن است، اما خلوص اصلی‌اش را هرگز از دست نمی‌دهد. بدهی چپته را می‌توان به فضای جهان‌گستر تشبیه کرد زیرا علی‌رغم تمام اتفاقات و تغییراتی که ممکن است در اشیاء موجود در آن اتفاق بیفتد، خودش تا ابد به همین سان باقی می‌ماند. هنگامی که بدهی چپته خود را در یک جهان نسبی ظاهر می‌کند، به نظر می‌آید که پیوسته در معرض تغییر و تحول است، اما در حقیقت فراسوی همه تعینات و دور از دسترس زایش و مرگ است (Suzuki, 2000; 300). بدهی چپته به تعبیر "شانتی دوه" دانشمند برجسته بودایی، به عنوان اکسیر حیات از بین‌برنده مرگ و فقر، قوی‌ترین داروی مسکن بیماری‌های جهان و درخت آرامش موجوداتی است که از سرگردانی در زندگی دنیوی خسته شده‌اند. پلی عمومی برای همه مسافرانی است که در حال گذر از رنج‌های

زندگی هستند. ماه تابانی در قلب انسان است که آشفستگی های روحی را تسکین می دهد. خورشید بزرگی است که طلسم تاریکی غفلت جهان را باطل می کند. بدهی چیتة مانند کره تازه ای است که از شیر دهرمه درست شده است» (Santideva.1955;3: 28-31).

کسانی که بدهی چیتة در آنها پدیدار می شود دارای حالات و درک متفاوتی نسبت به دیگران و نسبت به وضعیت خود در زمان قبل از این رخداد هستند. حالت ها و دریافت های فرد قبل از بیداری^{۱۰} در مقایسه با همین حالات بعد از بیداری^{۱۱} مانند حالت های یک فرد قبل و بعد از خواب است. طبعاً دریافت های فرد در این دو وضعیت به طور بنیادین متفاوت است. فردی که به حقیقت نرسیده در مقایسه با فردی که به حقیقت رسیده مانند وضعیت نابینای مادرزادی است که «می داند» نابینا است اما از آنجا که نمی داند «بینایی» چیست، عملاً نمی داند که «نابینایی» چیست؟ (Hamilton.2000; 61,83,135). نکته قابل تأمل در این مقوله آن است که همگان از موهبت داشتن بدهی چیتة برخوردارند حتی اگر از آن بی اطلاع باشند. در تمثیلی آمده است که: مردی که عازم سفری دوردست بود به ملاقات یکی از دوستان خود رفته و در آنجا به خواب می رود. آن دوست، جواهرگران قیمتی در جامه وی قرار می دهد و روی آن را به گونه ای می دوزد که مرد چیزی در این باره متوجه نمی شود. او در سرزمینی دور به تنگدستی دچار می شود به گونه ای که با دشواری زیاد آذوقه و پوشاک خود را تهیه می کرد. سرانجام به وطن بازمی گردد و مجدداً به دیدار همان دوست می رود و او در مورد هدیه گران بهایی که همیشه با وی بوده و از آن خبر نداشته به وی خبر می دهد (Dayal.1970;14). در درون هر کسی بذر و قابلیت بودا شدن وجود دارد. این جوهره بودایی موجود در ذات همگان هرگز آلوده نمی شود همواره پاک و خالص باقی می ماند (GesheWangyal.1986; 161). بنابراین تنها کافی است این گوهر گران قدر در وجود ما بیدار شود، از این رو گفته شده است «طریق بودا شدن به روی همگان باز است» (Ratnagotravibhaga.1964,P.181). درک و شناخت این بذر از منظر سنت بودایی کار آسانی نیست. بلکه بسیار مشکل است؛ اما بهتر آن است که صادقانه و مخلصانه برای پدیدار شدن آن تلاش کنیم.

بیداری درون فطری است. ما همه بالقوه بودا هستیم و می توانیم از طریق مراقبه و روش های مطرح شده به کمال ذاتی دست یابیم. در وجود همه موجودات پرتوی درونی با ماهیت مثبت و حقیقی وجود دارد (سوریاداس، ۱۳۷۸؛ ۲۱-۲۰). چرا که حقایق بسیارند اما اصل یکی است، آموزش ها بسیارند ولی مرکزیت یکی است که همان نبض

حیاتی قلب، بدهی چیته است (Surya Das.1997;120). «بدهی چیته همانند رعد و برقی است که در یک لحظه، شب تیره و تار را روشن می‌کند، همان‌طور که قدرت بودا، گاه و بیگاه قلب‌های مردم را در یک لحظه به سوی نیکی سوق می‌دهد». پس از کسب بدهی چیته فرد باید این روح بیدارگر را پرورش دهد تا به رشد رسد و بتواند در مسیر نیروانه حرکت کند.

اشخاصی که در آرزوی بدهی چیته هستند نیز دو دسته هستند. اشخاصی که مشتاق بیدارگری هستند و اشخاصی که اقدام به بیدارگری کرده‌اند. تفاوت میان این دو مانند تفاوت میان شخصی است که مشتاق سفر است و شخصی که خود مسافر است. اگرچه دستاورد روح مشتاق به بیدارگری در نظام هستی بسیار بزرگ است اما بازهم مانند حالت روح بزرگی که اقدام به بیدارگری کرده است نیست (Santideva.1955;1:15-17). دو صفت توصیفی معمولاً در ارتباط با مفهوم بدهی چیته به کار می‌رود: "سمیک"^{۱۲} به معنای درست، صحیح و "انوثره"^{۱۳} به معنای بالاترین، برتر، غیر قابل قیاس، غیر قابل عبور، افضل، سرآمد (Dayal.1970; 18). بدهی چیته از تمامی مقدرات آزاد است یعنی بدهی چیته از مقولات پنج "سکنده"^{۱۴} دوازده "آیتنه"^{۱۵} ایتنه شش متعلق حسی و شش اندام حسی باطنی است و هشتاد "دهاتو"^{۱۶} مبرا است. دهاتو به معنای چیزی است که بتواند خودش را تداوم بخشد. دهاتوها دو گونه هستند. دهاتوهای تغییرپذیر و دهاتوهای تغییرناپذیر. دهاتوهای تغییرپذیر خود را تداوم می‌بخشند و دهاتوهای بی‌تغییر خود را حفظ می‌کنند (Suzuki.1907;297&cf.Buddhadasa.1996;vol.7).

بدهی چیته یک وجود ملموس نیست، غیر قابل شناخت، فراگیر، نابود نشدنی است که جوهرش تهی (شونیتا)، متعالی، قائم به ذات است. کسی که ذات بدهی چیته را درک کند، همه چیز را با قلبی عاشق می‌بیند، زیرا جوهر بدهی چیته عشق است و همه بدهی‌ستوها علت وجودی خود را در این دل‌آگاهی بزرگ عاشقانه می‌بینند. زمانی که آرمان بدهی چیته در فردی محقق شد او می‌کوشد آن را به مرحله عمل بیاورد و این چیزی است که آن را «بدهی چریه»^{۱۷} می‌نامیم. بدهی چریه درحقیقت آرزوی بدهی چیته است که به مرحله عمل رسیده است. یعنی ما بدهی چیته را هم در آرمان^{۱۸} و هم در عمل^{۱۹} به کار می‌بریم (Rinpoche.1999;177).

بدهی چیته و مفاهیم بنیادین مهاییانی

۱. بدهی چیته و دهرمه‌کایه

۲. بدهی چیته و کرونا

۳. بدهی چیته و پرجنیا

بدهی چیته و دهرمه کایه

«دهرمه کایه» اولین مرتبه از مراتب سه‌گانه حضور و ظهور بودا یا «تری کایه» است. دهرمه واژه سنسکریت (dhr) است که در متون و مکاتب مختلف معانی گوناگونی یافته است (Skorupski, 1987; 332). دهرمه در ریگ ودا همان ریته، نظم درست جهانی است که پیروی از آن به منزله اطاعت از ناموس حقیقی هستی است و شرارت‌های اخلاقی به معنای نقض حقیقت جهان است (Chitkara, 2002; 5:477). در منابع بودایی معانی دهرمه به این شرح آمده است: معیار، درستی، قانون، پدیده، ذهن، عدالت و حقیقت غایی (Malalasekera, 1966; 23). واژه کایه که معادل انگلیسی آن Body می‌باشد در بسیاری از متون به کالبد و بدن ترجمه شده است. کایه در مورد بودا به بدن واقعی او اشاره می‌کند. سوزوکی دهرمه کایه را به بدن و یا نظام هستی ترجمه می‌کند (Suzuki, 2000; 45). دهرمه کایه کالبد حقیقی بوداست که دارای علم مطلق و حقیقت غایی است (Jackson & Makransky, 2000; 97) بر همین اساس دهرمه کایه علت و ماهیت حقیقی تمامی اشیاء و موجودات است و تمام جهان تجسم و ظهور اوست (Chitkara, 2002; 13,227). دو کالبد دیگری سمبوه‌گه‌کایه (پیکر سرور و شادمانی یا بوداهای آسمانی) و دیگر نیرمانه کایه (پیکر ظهور و تجسم) اوست.

بدهی چیته در معنای نسبی یا جزئی بازتاب و تجلی دهرمه کایه است که هیچ آغاز و پایانی ندارد؛ ناخالصی‌ها و تعصبات فردگرایانه و خودپرستانه نمی‌توانند حقیقت آن را آلوده و تیره و تار کنند؛ زیرا بدهی چیته جوهر معنوی بوداهاست. به رغم وجود همه پلیدی‌ها و نادانی‌ها که بر آن سنگینی می‌کند، دائماً مشتاق وحدت با خاستگاه اصلی خود است. هنگامی که این وحدت به هر دلیلی عملی نشود قلب (چیته) به نوعی نارضایتی خود را نشان می‌دهد. این نارضایتی ممکن است گاهی شکل یک بیماری به خود بگیرد و منجر به بدبینی یا بی‌زاری از مردم یا حتی خودکشی، ریاضت و یا دیگر شیوه‌های غیرعادی شود. اما اگر به طور مناسب هدایت شود و به طور طبیعی رشد کند، هر چه نارضایتی شدیدتر باشد، فعالیت روحانی یک بدهی ستوه بیشتر خواهد شد. آنچه جوهر بدهی چیته را تشکیل می‌دهد همان چیزی است که دهرمه کایه را شکل می‌دهد؛ هر چند ما آن را محدود، ناقص و معیوب درک می‌کنیم. چیته یک ظهور و دهرمه کایه

نمونه اصلی آن است. با این حال یکی درست همانند دیگری است. همان‌طور که ماه خود را در آب باز می‌تاباند. اما این دو را نباید دو مفهوم جدا از هم انگاشت (Suzuki.1907;295-306). تنها دل و قلبی که ورای نفوذ کرمه و نادانی است و تماماً خلوص، عشق و آگاهی است، دهرمه کایه یا خود بدهی چیتۀ مطلق است. زندگی یک بدهی ستوه تماماً درک حقیقت وجودی خود همراه با عشق و آگاهی است.

بدهی چیتۀ مسیر حقیقی دهرمه بودایی را به ما می‌آموزد. دهرمه روش ساده‌تغییر تدریجی فکر و گشایش قلب را نشان می‌دهد که در طی آن تفکرات خودبینانه و خودشیفتگی و دل‌مشغولی بیش از حد نسبت به مشکلات‌مان، تبدیل به یک عشق و محبت نوع‌دوستانه نسبت به شبکه‌ جهانی موجودات می‌شود و ظرفیت (سعه‌صدر) قلب‌هایمان افزایش می‌یابد (Surya Das.1997; 115). بدهی چیتۀ هرچقدر هم در دل‌های مردم عادی آلوده‌شده باشد در ذات خود هم‌سان با بوداهاست. از این رو گفته می‌شود: «جهان موجودات ذی‌شعور، متفاوت از دهرمه کایه نیست؛ دهرمه کایه، متفاوت از دنیای موجودات ذی‌شعور نیست. آنچه دهرمه کایه را تشکیل می‌دهد جهان موجودات ذی‌شعور است و آنچه جهان موجودات ذی‌شعور را تشکیل می‌دهد دهرمه کایه است» (Suzuki.2000;301)، تا آنجا که به دهرمه کایه و بدهی چیتۀ مربوط می‌شود، تمایز بنیادینی بین قلب‌های مردم عادی و قلب بودا وجود ندارد

بدهی چیتۀ و کرونا (شفقت) و پرجنیا (فرزانگی)

کرونا یکی از ویژگی‌های اصلی بدهی ستوه و یکی از چهار «بره‌مه‌ویهاره» است که ویژگی دل و قلب را نشان می‌دهد. عشق و احترام به تمامی موجودات زنده (مهاکرونا) هم‌دردی عمیق، آخرین فضیلت از فضایل هجده‌گانه بوداست (IronsEdward,2008,p.278). کرونا تنها دلسوزی و ترحم نیست بلکه همدردی و شفقت همراه با غم‌خوارگی و سنگ بنای عشق و اخلاق بدهی ستوه است (Magee Bryan,1998,p.42). به طور کلی بدهی چیتۀ را می‌توان شفقت و دلسوزی نیز دانست. مهاییانه بدهی چیتۀ را حاصل اتحاد میان شفقت (کرونا) و حکمت و فرزانگی (پرجنیا) و حالتی لحظه‌ای که آگاهی به همراه دارد، می‌داند. بدهی چیتۀ اشاره به جوهره آگاهی یا عقل عقل دارد که با شهود عرفانی حاصل می‌شود. بر اساس تفکر مهاییانی‌ها کرونا و پرجنیا منجر به روشن‌شدگی همه موجودات می‌شوند (Asanga.2001; 11). تا زمانی که شفقت و آگاهی جهت یاری دیگران به میزان کافی قوی نباشد، بدهی چیتۀ در مرحله

آرمان باقی می‌ماند. زمانی که کرونا و پرجنیا رشد می‌کنند و قوت می‌یابند وارد مرحله عمل می‌شوند و از این رو، همان‌طور که اشاره شد، می‌توانیم بدهی چیته را دارای دو جنبه عملی و نظری بدانیم. جنبه نظری آن رسیدن به اشراق از طریق پرجنیا است و جنبه عملی آن توجه و کمک به سایر موجودات است (Santideva.vol.I;15-16). بدهی چیته در جنبه شفقت، انگیزه کلی برای دستیابی به روشن‌شدگی به وجود می‌آورد؛ اما در آغاز برای پیروزی بر کِلِشه‌ها (رنج، پلیدی، خشم و شهوت) ناتوان است. چنانچه بدهی ستوه رشد کند، کِلِشه‌ها خود با پرجنیا (فرزانگی) و دیگر فضائل نابود می‌شوند (E, haris,2017,P.344). بدهی چیته در قلب همگان (سمتا) منزل دارد و ابزارهای فردی برای رستگاری (اوپایه)^{۳۳} را می‌آفریند. ناگارجونه معتقد است: کسی که جوهره بدهی چیته را درک کند همه چیز را با قلب آکنده از مهر مشاهده می‌کند و این حقیقت برین واقعیت وجودی بدهی ستوگان است. بدهی چیته با درجات متفاوت به فراخور تفاوت‌های افراد در آنها ظاهر می‌شود (Carle,2009,P.23-24). نقل شده است که در زمان‌های قدیم یک معلم مهاییانه مشغول آموزش بدهی چیته بود. صدای پارس سگی سخنانش را قطع کرد. صدای سگ باعث آزار شخصی از میان جمعیت شد و سنگی به طرف سگ پرتاب کرد. سنگ به سمت چپ سگ برخورد کرد؛ فوراً معلم روی زمین افتاد و از درد فریاد بلندی سر داد شاگردان به طرف معلم رفتند و مشاهده کردند که سمت چپ معلم کبود شده است. معلمان اشراق یافته بدهی چیته را در عمل تجربه می‌کنند و درد و رنج دیگران را با تمام وجود درک می‌کنند و به آنها برای رهایی از کرمه‌ها و کنش‌های منفی کمک می‌کنند (Surya Das.1997;115). بدهی چیته از فضایل بدهی ستوه‌ها محافظت می‌کند و نشانگر بالاترین درجه شفقت همراه با حکمت است و در جنبه شفقت، انگیزه کلی برای آزادی موجودات ذی شعور را ایجاد می‌کند (E Haris.2017;333-339,342). جنبه متعالی و مطلق و حد اعلا بدهی چیته، «شونیتا» یا تهبیگی موجودات و عدم وجود ذوات ثابت ولایتیغیر است و جنبه متداول‌تر آن، از خودگذشتگی در رسیدن به اشراق است که سوگند بدهی ستوه و کاهش رنج‌های دیگران بهترین تجسم آن است (Surya Das.1997;114-115). بدهی چیته حقیقت بوداست، حقیقت بودا و رای شخصیت تاریخی بودا شکیه‌مونی است. گوتمه در زندگی خود حقیقتی را کشف کرد که هر شخص دیگری نیز می‌تواند این حقیقت را در زندگی فعلی یا زندگی آینده خود کشف کند. این حقیقتی که هر کس توانایی دست یافتن به آن را دارد حقیقت عشق و فرزانگی و شفقت است. شفقت و توانایی کمک به دیگران

که در وجود همگان هست اما در حجاب و هنگامی که بدهی چیته بیدار می‌شود این حجاب کنار می‌رود و آن حقیقت برین خود را می‌نمایاند.

مراتب چیتّه و بدهی چیتّه

قبل از اشاره به انواع بدهی چیتّه، اشاره به این نکته خالی از فایده نیست که دل یا "چیتّه" خود به اقسامی تقسیم می‌شود:

۱. چیتّه‌ای که به طرزی ناامید کننده توسط گناهان خودخواهانه بسیار به بیراهه رفته و محکوم به تناسخ‌های ابدی باززایش است.

۲. چیتّه‌ای که از رنج سرگردانی زایش و مرگ بیزار است و از همه گناهان دوری جسته و در ده کمال «پارمیتا» و هشتاد و چهار هزار دهرمه بودایی، «بدهی» را می‌جوید و با اعمال شایسته خود را تربیت می‌کند، که این همان جایگا (روحانی) بدهی ستوه است.

۳. چیتّه‌ای که از رنج و عذاب تمامی امیال و هوس‌ها رهایی یافته و از همه دردها فاصله گرفته است، برای همیشه لکه گناهان را زدوده است، خالص، خالص‌تر و خالص‌ترین است و در ذات دهرمه منزل گزیده است. همه معرفت‌ها را کسب کرده و به بالاترین سطح انسانیت رسیده است. قدرت معنوی کاملی را به دست آورده که او را از همه دلبستگی‌ها و تردیدها آزاد می‌کند. این جایگاه معنوی از آنِ واصلان یا تنه‌اگنه‌های بیدار، تمام و کامل است (Suzuki, 2000; 301-302).

عالمان بودایی در تقسیم‌بندی دیگری از سه وجه دل یا "چیتّه‌اوتپاده"^{۲۴} سخن گفته‌اند ۱. دلی که پس از به کمال رسیدن ایمان پدید آید؛ ۲. دلی که پس از یافتن فهم درست دهرمه در حال عمل به شش پارمیتا پدید آید؛ ۳. دلی که در روشن‌شدگی کامل پدید آید. "چیتّه‌اوتپاده" زمانی محقق می‌شود که ده‌هزار کلّپه^{۲۵} (از ادوار جهان‌شناسی هندویی و معادل یک روز برهماست) از پرداختن شخص به کمال ایمان گذشته باشد، بنابراین چیتّه‌اوتپاده‌ای که پیش از این ده‌هزار کلّپه یافته شود حقیقی نیست (اشوه گهوشه، ۱۳۸۱: ۳۵۵). به طور کلی بدهی چیتّه دو نوع است: بدهی چیتّه، غایی^{۲۶} و بدهی چیتّه نسبی.^{۲۷}

بدهی چیتّه غایی

جنبه غایی بدهی چیتّه را حکمت و فرزاندگی^{۲۸} می‌گویند. خرد به معنای دیدن همه چیز همان‌گونه که در واقعیت هست و قادر بودن به اینکه همان چیزی که یک شخص در

واقعیت هست باشد. بدهی چیتہ غایی یک اتفاق عقلی نیست بلکه یک شہود یا فہم تجربی است؛ بہ معنای فہمیدن «این چیست»، «تو چیستی»، «اجسام چیستند»، «ماہیت وجودی چیست». بہ نظر می رسد ارتباط معنایی عمیقی بین بدهی چیتہ غایی و «شونیتا» وجود دارد و حقیقت بدهی چیتہ غایی ہم راستا با فہم و درک شونیتا است. پی بردن بہ حقیقت چیستی اشیاء و ماہیت وجودی آنها کہ تہیگی است همان فہم بدهی چیتہ غایی است.

بدهی چیتہ نسبی

آرمان و آرزوی مبتنی بر ہمدردی و دلسوزی بی حد و حصر را بدهی چیتہ نسبی می گویند کہ خود دارای مراتبی است و نیروی محرکہ ای است کہ منجر بہ اشراق می شود. بدهی چیتہ نسبی مبتنی بر شفقت (کرونا) و بدهی چیتہ غایی مبتنی بر فرزاندگی (پرجنیا) است، البتہ بدهی چیتہ نسبی بہرہ ای از ہر دو جنبہ دارد (Rinpoche.1999; 175). آرزوی رهایی ہمہ موجودات از رنج و گرفتاری، و دیگر فہم امکان دستیابی بہ این آرزو.

بنابہ نوشته سوزوکی، ستہیرمتی دانشمند برجستہ بودایی در اثر خود *گفتمان در باب دہرمہ دہاتوی مہایانہ* اظہار می دارد کہ در اندیشہ مہایانی مفاہیم شاخص و مہمی مثل نیروانہ (رہایی نہایی)، دہرمہ کایہ (پیکرہ دہرمہ)، بدهی چیتہ، تہاگتہ (واصل، بہ رهایی رسیدہ)، تہاگتہ گربہہ (خاستگاہ و زہدان تہاگتہ ہا) و غیرہ ہر کدام بہ جنبہ ای از جنبہ های فراوان حقیقت مطلق اشارت دارند و بدهی چیتہ نامی است کہ بر آن بہ لحاظ تجلی اش بر دل انسان و کمال او و یا از جنبہ سلبی بر پیراستگی و رهایی انسان از خودبینی و خودمحوری کہ همان نیروانہ است، اطلاق می شود، و بہ مثابہ بازتابی از آن حقیقت، دارای همان ویژگی است (Suzuki.2000;200,299). بر اساس اعتقاد بودا، ہمہ امور عالم فانی؛ در حال شدن یا صیوروت ہستند، و تنہا چیزی کہ تغییر نمی کند قانون طبیعی و روحانی عالم است کہ باید بہ آن احترام گذاشت. گنوتہمہ پس از دریافت بدهی چیتہ و کسب دہرمہ می خواست ہمگان را با دہرمہ آشنا کند. مقام بدهی در واقع، بینش بہ باطن دہرمہ است کہ راہ ہشت گانہ بہ آن ختم می شود. بودا باور داشت کہ این بینش از طریق مراقبہ حاصل می شود. سپس قلب را از طریق تمرین های اخلاقی تزکیہ کنیم و بر ضمیر خود متمرکز شویم در آن وقت است کہ بہ تجربہ ای جدید از روشنی دست می یابیم (Radhakrishnan.1982; 41-44).

آموزه «تتهاگته گربهه» (زه‌دان به اشراق‌رسیدگان، واصلان، گذرکنندگان)^{۲۹} این حقیقت را بیان می‌کند که همه موجودات در درون خود فضایل و حقیقت بودا را دارا می‌باشند اما این حقیقت ذاتی با حجاب‌ها و موانعی پوشیده شده است. مانند بذری مدفون در خاک یا گلی پیچیده در غلاف (Williams.2003;826-827). این حقیقت درونی به واسطه بدهی چیتة بیدار می‌شود و منشأ بدهی چیتة و همه حقایق تتاگته‌ای است که خود زاده «تتهاگته گربهه» است.

زمینه‌های تحقّق بدهی چیتة

بدهی چیتة زمانی در ما بیدار می‌شود که عشق به موجودات رنج دیده که در ذات یا قلب ما هست به بالاترین درجه اشتیاق برای بیداری برسد. بیدار شدن چیتة، بیرون آمدن از خود محوری و قرار گرفتن در مسیر عمل همراه با معرفت است (Asvaghosha, 1964). برای آنکه بدهی چیتة در فرد اتفاق بیفتد انسان محتاج فضیلت و معرفتی است که این فضیلت و معرفت از طریق اعمال اخلاقی و معنوی در زندگی‌های حال و گذشته و عشق به سایر موجودات به دست می‌آید. بدهی چیتة زمینه‌ساز کسب فضایل بسیاری است و کرمه‌های بسیاری را از بین می‌برد (Harvey.1990;122). بیداری انسان باید قبل از رسیدن به کمال و طی مراحل و تعلیماتی خاص صورت گیرد. بعد از بیداری دل نسبت به حقیقت بدهی چیتة، سالک طریقت تا انتهای سلوک همه تلاش خود را جهت تحقّق این حقیقت در باطن خود، انجام می‌دهد و زمانی که این حقیقت در وجود او محقّق شد و به مرحله پختگی رسید موجودات دیگر را نیز در رسیدن به اشراق قلبی، دستگیری و راهنمایی می‌کند.

سالک طریقت به صورت مستمر در مورد بودایان به تفکر می‌پردازد. و بعد در مورد ضعف‌های وجودی خود تأمل و تفکر می‌نماید سپس به وضعیت رقت‌انگیز موجودات ذی‌شعور می‌اندیشد و تلاش می‌کند تا در او شوقی وسیع نسبت به بودا ایجاد شود (Suzuki.2000; 302-307). رهرو برای به دست آوردن بدهی چیتة نفی حیات و ترک دنیا نمی‌کند. بلکه ابتدا با شنیدن تعالیم بودا و بدهی ستوه‌ها بذر کمالات در وجود او جایگزین می‌شود سپس با مطالعه تعالیم و انجام تمرینات روزمره به تدریج آن بذرها در وجود سالک جوانه می‌زنند (Prophet.2009;33).

و سوبندهو^{۳۰} در اثر خود «گفتمان در باب بیداری بدهی چیتة»^{۳۱} می‌نویسد: «بدهی چیتة با تفکر در بوداها، تأمل در نواقص وجود مادی، مشاهده وضعیت رقت‌انگیز

زندگی موجودات ذی‌شعور، و در نهایت با اشتیاق به فضایی که تنهاگته در بالاترین درجه اشراق به دست می‌آورد، در درون ما بیدار می‌شود». بنابراین، زمینه‌های پدیداری بدهی چپته را به اختصار چنین می‌توان شمرد:

۱. تفکر در اینکه تمام بوداها و بدهی ستوها در همه ادوار گذشته، حال و آینده، چندان بیش از ما از شهوت و گناه آزاد نبودند، اما موفق شدند با کوشش و مجاهده بیداری کامل را به دست آورده و از چرخه باززایی و هوی و هوس و گناهان عبور کنند و به موجوداتی شریف بدل گردند.

۲. این اندیشه که وجود جسمانی ما دارای نقایصی است و شامل پنج سکنده (توده) و چهار مهت (عنصر) است که از این طریق مرتکب اعمال شر بی‌شماری (از جمله خشم، طمع و نادانی) می‌شویم که باید کنار گذاشته شوند. وجود جسمانی ما دائماً از طریق این نه روزنه ناخالصی‌های نفرت‌انگیز ایجاد می‌کند که باید کنار گذاشته شوند.

۳. توجه به وضعیّت رقت‌انگیز زندگی موجودات ذی‌شعور که در اسارت جهل و نادانی هستند و شدیدترین رنج‌ها را متحمل می‌شوند و به قانون کرمه اعتقادی ندارند. آنها دائماً با ترس زایش و مرگ و پیری دست و پنجه نرم می‌کنند و به دنبال راه رستگاری نیستند. معشوقه‌های خود را محکم در آغوش می‌گیرند ولی نمی‌فهمند که هیچ واقعیت فردی وجود ندارد و دل بستن به انسان‌ها ارزشی ندارد، اینها همه هم‌دردی بدهی ستوه را برمی‌انگیزد.

۴. تأمل در فضایل تنهاگته‌ها: تمامی تنهاگته‌ها به واسطه تعلیمات‌شان سیمایی نجیب و مقدس به دست آورده‌اند. دهرمه‌کایه همه تنهاگته‌ها جاودان، خالص و آزاد از وابستگی‌هاست. تمامی تنهاگته‌ها از تعالیم اخلاقی، آرامش، آگاهی و رستگاری برخوردارند. تنهاگته‌ها دارای ده قدرت، چهار بی‌باکی، شفقت عظیم و سه تأمل و تفکر هستند. آنها به همه چیز واقف‌اند و عشق آنها به موجودات رنج دیده هیچ مرزی را نمی‌شناسد و همه موجوداتی را که به واسطه جهل همراه شده‌اند به مسیر نیروانه باز می‌گردانند (Suzuki, 2000; 303-306).

موانع بدهی چپته: کِلشه‌ها^{۳۲} (ردایل اخلاقی)

کِلشه‌ها همان رنج، پلیدی، خشم و شهوت هستند. آنها گرفتاری‌های ذهنی هستند که خشم، میل به خوردن و توهم را نیز شامل می‌شوند. در حقیقت آنها کرمه‌های نامطلوبی

هستند که ما را به سنساره پیوند می‌زنند و سرشت و ماهیت تهی دارند. رادها کریشنان معتقد است بی‌دردی، کام‌جویی و خوش‌گذرانی از جمله کِلشه‌هاست که جملگی نادانی محسوب می‌شوند. آنها از طریق نیروی بدهی چیته نابود می‌شوند. این مسأله مطابق با راهبرد اصلی سنت بودایی و بودایی مه‌ایانه به‌طور عام است که ذهن با نابود کردن کِلشه‌ها از طریق پادزهرهایش که غالباً فضیلت‌ها هستند، پالایش می‌یابد. بدهی چیته همچون اکسیر جیوه، کِلشه‌ها را نابود نمی‌کند، بلکه آن را برای پالایش به‌کار می‌برد و در حقیقت از نیروی آن برای آزادی و نجات استفاده می‌کند. کِلشه‌ها بدی‌ها و ناراستی‌های دنیای مادی هستند که بودا دل‌کنند از آن را لازمه بدهی چیته کامل می‌داند (E Haris.2017;332).

راهبردی که شانتی‌دوه در مواجهه با کِلشه‌ها ارائه می‌دهد، نابودی تجلی‌های آن در سریع‌ترین زمان ممکن است. همان‌گونه که «مجاهده درست» یا ششمین گام از مسیر هشت‌گانه، از ظهور و بروز کِلشه‌ها جلوگیری می‌شود، و در صورت ظهور از بین برده می‌شوند. یکی از راه‌های مواجهه و مقابله با کِلشه‌ها تفکراتی است که منجر به ایجاد فضیلت می‌شود و این مسأله همچون پادزهر کِلشه‌ها برای نابودی آنها مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد. برای مثال: صبر به عنوان پادزهر عصبانیت است و زمانی که یکی وجود دارد، دیگری نمی‌تواند وجود داشته باشد پس ایجاد صبر، عصبانیت را از بین می‌برد و ایجاد فضیلت، کِلشه‌ها را از بین می‌برد. مراقبه‌هایی کمتر فراگیر اما پر بسامد وجود دارند که سه ریشه کِلشه‌ها یعنی نفرت، شهوت و حماقت را هدف قرار داده و آنها را تضعیف کرده و از نیروی آنها جهت آزادی و رهایی بهره می‌برد (E Haris.2017;335). بدهی چیته هر چقدر هم که تیره و تار شده باشد باز هم می‌تواند خود را در قلب‌های کفرآمیز ظاهر کند. به تعبیر شانتی دوه آنچه که مانع تبلور بدهی چیته در فرد می‌شود شهوت و نفرت است. اینها دشمنانی هستند که دست و پا، شجاعت و عقل‌ندارند اما فرد را اسیر خود می‌کنند، آنها در ذهن فرد مستقر و خودشان را تثبیت کنند تا او را ویران سازند در مقایسه با این دشمنان درونی اگر تمامی خدایان و انسان‌ها دشمنان فرد بودند حتی قادر نبودند او را در جهنم اوچی بیندازند. دشمنانی چون هوی و هوس و نفرت و... دشمنان قدرتمندی هستند که در مقایسه با دشمنان بیرونی طول عمری دیرپا، بی‌آغاز و بی‌پایان دارند (Santideva.1955;4:28-32). با پیشرفت در مسیر بدهی‌ستوه‌گی، در نهایت ترس از تناسخ‌های نامطلوب از بین خواهد رفت و دلیل آن

این است که همه کرمه‌های منفی که باعث چنین تناسخی شده‌اند با توسعه بدهی چیته پاک می‌شوند و از سوی دیگر هنگامی که جهل و حماقت یک فرد به پایان رسد، مرگ و تناسخ ترسی نخواهند داشت. بدهی چیته به شکل موقت به ما اجازه می‌دهد تا کِلِشَه‌ها را در این مسیر فروبنشانیم و البته ما را از شر قدرت آن نیز محافظت می‌کند. بدهی چیته به نور همیشه تابان می‌ماند که گاهی موقتاً پشت ابرها پنهان می‌شود. آثار شهوت و گناه ناشی از خودخواهی ممکن است گاهی سبب تضعیف نور بدهی چیته شوند اما خود بدهی چیته همیشه از ناخالصی‌های خارجی مصون است. مفسر شانتی دوه، «پرجنیا کاراماتی»^{۳۳} معتقد است هر نوع کرمه منفی در برابر اثرات مثبت بدهی چیته کم وزن و حقیر می‌شود. او بدهی چیته را مأمور نابود کننده کرمه‌های گذشته، حال و آینده می‌داند (E Haris, 2017; 332).

بدهی چیته و فاسدان و کافران (ایچه‌ندیکه‌ها)^{۳۴}

ایچه‌ندیکه‌ها، ملحدان، بی‌ایمان‌ها و ناباورمندان هستند. آنها افرادی هستند که کاملاً غرق در هوی و هوس شده‌اند. کسانی که به دلیل کرمه‌هایشان موفق به کسب کمال نمی‌شوند. آنها به لحاظ اخلاقی و دینی مانند لاشه‌ای بی‌جان هستند که احیای آنها حتی برای یک پزشک روحانی نیز تقریباً غیر ممکن است و سؤال اینجاست که آنگونه که مطرح شده، اگر بدهی چیته در همه افراد بالقوه حضور دارد در رابطه با این افراد چه نقشی ایفا می‌کند؟ نکته درخور تأمل آن است که شکوه و قدرت بدهی حتی در این ارواح تاریک و نادان هم می‌درخشد. چنین ارواحی به دلیل سنگینی کرمه‌هایشان شاید مجبور شوند بارها و بارها در چرخه تناسخ سرگردان باشند. البته باید در نظر داشت که هیچ قلب و روح انسانی وجود ندارد که کاملاً از قید کرمه و جهل رها باشد زیرا وجود همین جهان پدیداری، محصول نادانی است، هرچند این دلیل بر شر بودن زندگی نیست (Suzuki, 2000; 311-312). بدهی چیته مادامی که تحت گناهان بی‌شمار ناشی از جهل و خودخواهی است مولد هیچ منفعت زمینی یا آسمانی نیست. مانند گل نیلوفر آبی که گلبرگ‌هایش هنوز باز نشده‌اند و یا مانند طلایی که در عمق خاک مدفون است؛ و یا مانند نور ماه کامل که پشت ابرها پنهان شده است. زمانی که چشمان بدهی چیته با ابرهای هوی و هوس، طمع، جهل و حماقت بسته می‌شود ارزش معنوی ذاتی خود را آشکار نمی‌کند.

هنگامی که بدهی چیته تمامی رفتاری‌ها را با قدرت خود از میان بردارد، مانند نیلوفر شکفته از مرداب، یا طلای پیراسته از ناخالصی‌ها، یا ماه تابان در آسمان صاف و یا خورشید پیراسته در آسمان بدون ابر، یا زمینی که انواع غلات را تولید می‌کند، یا اقیانوسی با گنجینه‌های بی‌شمار است؛ در این صورت موهبت ابدی و جهان شمول بدهی چیته تمام موجودات ذی‌شعور را شامل خواهد شد و همه موجودات از نکبت جهل و نادانی رهایی شوند. قلب‌شان مملو از عشق و همدردی شده و از همراهی و وابستگی با چیزهای بی‌ارزش آزاد می‌شوند.

نتیجه‌گیری

بدهی چیته مفهومی شناخته شده در همه مذاهب و مکاتب بودایی است اما در بودایی مه‌ایانه دارای اهمیت و ویژگی‌های گسترده و متفاوتی است؛ به گونه‌ای که آن را از سایر مذاهب متمایز می‌کند. صورت اولیه این آموزه به نحوی ریشه در سنت قدیمی بودایی؛ یعنی سنت تهره‌واده دارد و بذراولیه این مفهوم در تعالیم و آموزه‌های گنوتمه بودا نهفته است. بدهی چیته در قلب همه موجودات ذی‌شعور وجود دارد؛ حتی ملحدان و بی‌ایمانان و آنانی که گرفتار هوی و هوس شده‌اند نیز از بدهی چیته برخوردار هستند؛ اما فقط در بوداها و بدهی ستوه‌هاست که به‌طور کامل شکوفا می‌شود و فعلیت می‌یابد. این در حالی است که بدهی چیته در مردمان عادی به دلیل آمیزش و دلبستگی با جهان مادی و شهوانی خاموش و زمین‌گیر می‌شود. بیداری بدهی چیته در افراد کار بسیار دشواری است اما در صورت محقق شدن آن، سعادت ابدی به همراه می‌آورد. بدهی چیته دارای دو مرتبه اولیه و ثانویه یا نسبی و مطلق است که در معنای نسبی تجلی دهرمه‌کایه و نتیجه اتحاد کرونا و پرجنیا است و در معنای مطلق با امر مطلق و حقیقت واحد یکی است. بدهی چیته در این معنا، هم‌سان، حقیقت متعالی و ازلی ادیان دیگر است که همه موجودات مظهر و تجلی آن‌اند. وجه شهودی و وحدت وجودی این آموزه توسط متفکران یوگه چاره ارائه شده است. بدهی چیته با بسیاری از مفاهیم کلیدی مکتب مه‌ایانه مانند نیروانه، تنهاگته‌گرهه، شونیتا و تنهتا یکی دانسته می‌شود. بدهی چیته در نتیجه عشق به همه موجودات و کسب معرفت و تلاش در این زمینه ایجاد می‌شود. نقطه مقابل بدهی چیته کلشه‌ها یا پیلیدی‌ها و ناراستی‌هایی است که با قدرت فراگیر و همه جانبه بدهی چیته نابود می‌شوند.

پی نوشت ہا

1. skt.Bodhicitta,En awakening mind , the mind of enlightenment , or a wakening the heart of enlightenment heart of enlightenment, the heart of enlightened mind
2. Bodhirdaya
3. anuttara-samyak-sambodhicitta
4. Buddha hood
5. mahakaruna
6. mahaprajna
7. rasajatam
8. laotezinTerminology
9. wu-wei
10. pre-enlightenment perceptions
11. post -Enlightenment perceptions
12. samyak
13. anuttara
14. skandhas
15. skt.pal. ayatana,En.sence base, sence-media or sence sphere
16. skt.dhatu,En.elements
17. Bodhicharya
18. Aspiration
19. Action
20. compassion
21. karuna
22. samata
23. upaya
24. Citta-utpada
25. kalpa
26. ultimate bodhicitta
27. relative bodhicitta
28. wisdom
29. skt.tathagatagarba;En.lit. the womb of thus gone ; translated as :the womb of the enlightened one, sccd for potential enlightened
30. vasubandhu
31. Discourse on the Awakening of the Bodhicitta
32. klesas
33. prajnakaramati
34. Icchantik

منابع فارسی و لاتین

- اشوه گهوشه، بیداری ایمان در مهاییانه همراه با شرح ونهیو. ترجمه ع پاشایی. نگاه معاصر، تهران، ۱۳۸۱.
- سوریاداس، لاما، بیداری بودای درون، ترجمه ملیحه کرباسیان، فتانه ترکاشوند، نشر مرداد، ۱۳۷۰.
- Asanga.(2001). *Abhidharmasamuccya*.the compendium of the higher teaching (philosophy) by Asanga (e.Rahula, Trans.) English Translation by sara Boin-webb. Fremont,C/A:Asian Humanities press .
- Asvaghosha , (1964). *The shrine of wisdom , The awakening of faith in the Mahayana*.
- .*Avatamsaka Sutra,Daca-bhumika*.vol:15
- Chitkara,MG. (2002).*Encyclopedia of Buddhism: vol 5*.13.A.P.H.Publishing Corporation .
- Dayal.(1970). *the Bodhisatva doctrine in Buddhist sanskrit literature*. Delhi;Motilal Banarsidass
- Duncan, William.(2003). *Tathagatagarbha Encyclopedia of Buddhism*.vols.2 vol.1,ed. Robert E.Buswell,Jr.,NewYork,London and etc: Tomas Gale
- E Haris, Stephen.(2017). *The skilful handing of poison: Bodhicitta and the Klesas in Santidevas Bodhicaryavatara ; Indian philos* .
- Hamilton, sue. (2000). *Early Buddhism:A new Approach*, the I of the Beholder Curzon press Richmond.
- Harvey,peter. (1990). *An Introduction to Buddhism*.Cambridge university.
- Irons Edward (2008)" Karuna" in Encyclopedia of Buddhism, facts on file.
- L.DeLA Vallee Poussin.(1980) ."Mahayana" in *Encyclopedia of Religion and Ethics* Hastings, James(ed) . Edinburg.
- Jackson &Markransky , R J. (2000) , *Buddhist Theology* , Delhi;Curzon Press.
- Malalasekera, Gp. (1966) .*Encyclopedia of Buddhism* , Published by the Government Ceylon.
- Magee,Bryan.(1998),*The Story of philosophy*.london , Dorling Kinderesley
- Prophet , Elizabet carle . (2009). *the Buddhic Essence: Ten stages to becoming Buddha* . Gardiner, Montana; summit university press .
- Prophet,Elizabeth carle.(2009).*The Buddhic Essence:Ten stages to Becoming Buddha*.cardiner,Montana;summit ;university press
- Rinpoche, Ringu Tulko.(1999). *Bodhicitta.c/o* translated and prepared by Gabriele Hollmann Maria Hundorf- Kaiser Armbruststr.4.D-20257. Hamburg ; Germaany
- Radhakrishnan,S. (1982). *Introduction Dhamapada* , New Delhi .

- Radhankrishnan , S. (1950). *the Dhammapada*.Oxford university press .
- Suzuki, DT.(2000).*Out lines of Mahayana Buddhism* .Luzac and company copposite the British Musikum publishers To the university of Chicago
- surya Das, lama. (1997). *A wakening the Buddha within. Eight steps to Enlightenment, Tibctan wisdom for the western word*, New York.
- Santideva,*A Guide to the Bodhisattva way of life (Bodhicaryavatara)*. Translated from the Sanskrit and Tibemtam by vesna A.wallace and Balan Wallace , snow Lion publications Ithaca ; New York Usa.
- *Saddharma- pundarika suttra or the lotus of the true low*. Homage to all the buddhas and bodhisattvas.
- Santideva.(1955). *Abodhicaryavatara*.ed And tr1 into Hindi by Santibhiksusastri ; lucknow .
- Santideva Acharya(1997) *AGuide to the Bodhisattva way of life;Bodhicaryavatara*.vesna Awallace Ithaca and New York :snow Lion publications.
- Santideva . (1971). *Siksha-samuccaya:A compendium of Buddhist doctrine compiled by santideva chiefly from earlier Mahayana Sutra*,Trans by Bendall.&W.H.Rouse.delhi;Motilal Banarsidass
- Skorupski , T. (1987). *Buddhist Dharma & Dharmas in Encyclopedia of Religion* . Mircea Eliade (ed), vol. 4 .New York; Macmillan.
- Suzuki , DT. (1968) .*studies in the lankavatara sutra* .London;Routeldge & Kegan Poul LTD.
- Suzuki , DT. (1900). *Acvaghoshas Discource on the a wakening of faith in the Mahayana*. Chicago ;The open court publishing company.
- *The ten stages: in Avatamsaka sutra*, pdf downloaded from: [http://www.scribed.com / doc/79020490/Avatamsaka sutra - flower - Gardland-sutra- 3-4](http://www.scribed.com/doc/79020490/Avatamsaka-sutra-flower-Gardland-sutra-3-4).
- Wang chuck , D.(2007). *the resolve to become a Buddha:A study of the Bodhicitta concept in Indo-Tibtan Buddhism*. Tokyo; The International Institute for Budddhism studies ,of the International colloge for postgraduate Buddhist studies.
- .Wang White,D.G.(1984). *why gurus are heavy*. anaumen, 32(1).